



مصادیقی از شرک‌های امروزی / باطن محبت دروغین عداوت است

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه سرّ احترام بت‌پرستان به بتها این بود که از آنها توقع قوت یا عزّت داشتند؛ در حالی که خدای سبحان قوت و عزّت را منحصر به خود می‌داند، گفت: اینکه می‌بینید عده‌ای به دنبال کسی یا شیئی حرکت می‌کنند، وقتی دیدند به مقصد نمی‌رسند به آن بد می‌گویند، سرّش همین است که محبت باطل درونش عداوت صادق است.

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه سرّ احترام بت‌پرستان به بتها این بود که از آنها توقع قوت یا عزّت داشتند؛ در حالی که خدای سبحان قوت و عزّت را منحصر به خود می‌داند، گفت: اینکه می‌بینید عده‌ای به دنبال کسی یا شیئی حرکت می‌کنند، وقتی دیدند به مقصد نمی‌رسند به آن بد می‌گویند، سرّش همین است که محبت باطل درونش عداوت صادق است.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 165 بقره (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ) با اشاره به اینکه برهان عقلی، شهود قلبی و مشاهده در حال عذاب دنیوی و اخروی از راههای فهم و شهود قدرت مطلق خدا است، گفت: ... اگر کسی این براهین عقلی را بر اساس شناخت عقل نپذیرفت، روزی در پیش دارد که این مسئله برای او روشن می‌شود با مشاهده، که از غیر خدا کاری ساخته نبود؛ نه غیر خدا می‌تواند ترس و خطری را از انسان برهاند چون قدرت ندارد، نه غیر خدا می‌تواند کمال و جمالی به انسان ببخشد چون عزت ندارد. انسان به کسی دل می‌بندد یا به شیئی دل می‌بندد که بتواند از قدرت او برای پرهیز از خطر مدد بگیرد؛ یا از عزّت او برای جلب منفعت کمک بگیرد.

عبادت خالصانه بتان توسط مشرکان

وی در بخشی دیگر از تفسیر این آیه تأکید کرد: اگر کسی به شخصی یا چیزی سر سپرد و قانون او را گرمی داشت و به او و فکرش احترام گذاشت و دل بست و از او اطاعت کرد، این کار می‌شود عبادت، و آن کس یا چیز می‌شود بت. اینکه می‌بینید کتاب لنین برای يك عده مثل قرآن مسلمین است، همین معنا در قیامت ظهور می‌کند. این مشرکین در قیامت به خدای سبحان عرض می‌کنند: تالله إن کتا لفي ضلالٍ مبین * إِذْ تُسَوِّگَم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ مشرکین در قیامت وقتی گرفتار جهنم شدند می‌گویند ما یقیناً در گمراهی بودیم، برای اینکه ما این کتاب فلان ملحد را در ردیف قرآن آوردیم. نه اینکه در ردیف قرآن آوردیم یعنی هم به قرآن احترام کردیم هم به این کتاب، این جمع حق و باطل که محال است؛ یعنی آن اندازه‌ای که باید به قرآن احترام بکنیم به این کتاب احترام کردیم.

این مفسر و مدرس عالی حوزه تصریح کرد: إِذْ تُسَوِّگَم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ نه به این معناست که ما نیمی از محبت و ارادت و عبادت‌مان را به خدا اختصاص دادیم، نیمی از محبت و ارادت و عبادت را به این بتان، چون اینها اصلاً برای خدا سجده نمی‌کردند (تمام عبادت اینها برای بت بود). در بحث‌های قبل هم به عرض رسید که شرک جاهلی این نیست که خدا و بت را شریک در معبود بودن قرار بدهند و خودشان يك مقدار برای بت يك مقدار برای خدا عبادت کنند؛ مثلاً يك مقدار برای خدا قربانی کنند يك مقدار برای بت؛ یا يك مقدار برای خدا نماز بخوانند يك مقدار برای بت، این يك ریایی است که احیاناً عده‌ای مبتلایند (در درون). اما مشرکین تمام عبادتشان برای بت بود، آنها اصلاً خدا را نمی‌پرستیدند. می‌گفتند این بتها چون وسیله است ما کاری به خدا نداریم، ما با این وسیله در ارتباطیم و اگر خدا بخواهد به ما خیر برساند تنها راهش خضوع در برابر این بتهاست.

سه دوره فرزندکشی در جاهلیت

وی به سه دوره فرزندکشی در جاهلیت اشاره کرد و گفت: اگر قربانی و حج عمره بود برای بتها بود و حتی اگر سربریدن اولاد بود برای بتها بود، چون این در جاهلیت هم بود. بچه‌کشی در سه مقطع بود: يك مقطع خصوص دخترها بود (به نام وئد البنات) برای همان خیال خام جاهلی که مبادا در جنگها اینها به اسارت بروند یا اصولاً از دامادگیری ننگ داشتند؛ یکی هم چه دختر چه پسر را در قحطی و گرانسالی می‌کشتند؛ یکی هم تقدیه للصنم و الوثن؛ به عنوان قربانی برای بتها بچه قربانی می‌کردند (این هر سه قسم را قرآن کریم بازگو کرد). همین ها فقط برای بتها عبادت می‌کردند، اصلاً خدا را يك ذره نمی‌پرستیدند.

معنای شرک مشرک

آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر آیه 165 بقره در تبیین مفهوم شرک گفت: معنای شرک این است که این عبادتی که لله است (خالصاً و واصباً)، این عبادت را به دیگری داد؛ نه اینکه يك قدری برای خدا يك قدری برای غیر خدا. لذا اینها در قیامت اعتراف می‌کنند می‌گویند ما در ضلال مبین بودیم، چرا؟ برای اینکه إِذْ تُسَوِّگَم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ، ما باید از خدا توقع می‌داشتیم از بت توقع داشتیم، باید کتاب خدا را گرمی می‌داشتیم قانون لنین را گرمی داشتیم و مانند آن. یعنی تمام آثاری که باید برای دین خدا قائل می‌شدیم (همه این آثار) را دادیم به فکرهای الحادی زید و عمرو؛ إِذْ تُسَوِّگَم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ. از رب العالمین باید خیر می‌خواستیم، از دیگران خواستیم؛ نه اینکه نیمی از خیرات را از خدا، نیمی از خیرات را از دیگران توقع می‌داشتیم (این چنین نبود)، چون بت پرست اصلاً خدا را نمی‌پرستد. اثر را از خدا نمی‌خواهد، اثر را از بت می‌خواهد. می‌گوید اگر خدا به ما باید خیر برساند، بت باید شفاعت کند و او هم در این شفاعت مستقل است، لذا فقط بتها را می‌پرستیدند. إِذْ تُسَوِّگَم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ، این معنا را در قیامت به صراحت می‌گویند.

تبدیل محبت به عداوت

وی در بخشی دیگر از تفسیر آیه 165 بقره به مسئله محبت و عبادت اشاره کرد و گفت: سرّ اینکه بت‌پرستها به بتها احترام می‌گذاشتند و آنها را تکریم می‌کردند همین بود که از آنها توقع قوّت یا عزّت داشتند. خدای سبحان هم قوّت را منحصر به خود می‌داند، هم عزّت را. در بحثهای قوّت، همین آیه محل بحث فرمود آنها روزی در پیش دارند که برای آنها روشن می‌شود: اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا، در مسئله عزّت هم فرمود: اُيَتَّبِعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ؛ آیا به این فکرند که نزد بتان و معبودان دروغین آنها عزّت است، العِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا.

این مدرس عالی حوزه تصریح کرد: پس اگر کسی به شیئی یا شخصی محبت ورزید که از قدرت او استفاده کند، باید بداند که اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا و اگر کسی به شیئی یا شخصی علاقه پیدا کرد که از عزّت او استفاده کند، باید بداند که العِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا. اگر خوف است باید بداند که الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا و اگر شوق و رجاست باید بداند که العِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا. آنگاه خدای سبحان درباره این گروه فرمود اگر شما عاقلانه نیندیشید، روزی در پیش دارید که این محبت شما تبدیل به عداوت می‌شود. بیان ذلك این است که دنیا حقیقتش باطل مخلوط است؛ وگرنه دار امتحان نبود (اگر همه اشیاء در عالم طبیعت حق می‌بودند دیگر جا برای امتحان نبود، اگر دروغ هیچ اثری نداشت خب کسی حاضر نبود دروغ بگوید و اگر سرقت یا ظلم هیچ اثر نداشت خب کسی حاضر نبود سرقت کند یا ستم کند).

باطن محبت کاذب

آیت الله جوادی آملی در تبیین باطن محبت کاذب گفت: جهان روزی را در پیش دارد که حق محض است و باطل در آن روز اصلاً ظهوری ندارد. خدای سبحان به اینهایی که به محبتهای دروغین درباره ارباب و بتها و اوئان، خضوع می‌کنند، می‌فرماید اگر محبت برای آن است که از قدرت محبوب مدد بگیرید بدانید: الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا و اگر مودت برای آن است که از عزت محبوب مدد بگیرید بدانید که العِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا، قهراً محبتی که شما نسبت به دیگران دارید این محبت باطل است، چرا؟ چون اگر همه قوّت از آن خدا بود دیگری قدرت نخواهد داشت و اگر همه عزّت مال خدا بود دیگری عزیز نخواهد بود. چون دیگری عزیز نبود و دیگری قوی نبود، این محبت شما هم محبت صادقانه نیست، زیرا شما به ضعیف دل بستید و اگر به ضعیف دل بستید پس این دل بستن يك دل بستن کاذب است؛ شما به يك ذلیل علاقه‌مند بودید و علاقه به ذلیل يك علاقه کاذب است.

قیامت روز ظهور حق

وی یادآور شد: چون قیامت روز حق و صدق محض است، آنچه حق است ظاهر می‌شود، محبت به ذلیل محبت دروغین است، محبت به ضعیف محبت باطل و دروغ است و هر دروغی يك راست دارد و روز قیامت ظرف ظهور آن راستها و حقهاست، چون درون این محبت عداوت است، در قیامت عداوت ظاهر می‌شود (اینها که دوست یکدیگر بودند آن روز دشمن یکدیگر می‌شوند)، چرا؟ چون درون محبت دروغ، عداوت راست است، ممکن نیست هم محبت دروغ باشد هم عداوت. اگر کسی به سراب دل بست و خود را به سراب رساند، وقتی به مقصد رسید می‌بیند چیزی به نام آب نیست، اگر کسی تقبیحش نکند، آن سرزمین را لگدکوب می‌کند. اینکه می‌بینید عده‌ای به دنبال کسی یا شیئی حرکت می‌کنند، وقتی دیدند به مقصد نمی‌رسند به آن بد می‌گویند، سرّش همین است که محبت باطل درونش عداوت صادق است (ممکن نیست هم محبت دروغ باشد هم عداوت). چون این محبت باطل است، آن عداوت حق است و چون قیامت روز ظهور حق است، درون این محبت کاذب که عداوت صادق است ظهور می‌کند، لذا فرمود: الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ. آنها که در دنیا دوست یکدیگر بودند فی غیر سبیل‌الله، این محبتهای آنها محبت باطل است، درون هر باطلی حق است، مقابل هر باطلی حق است و قیامت روز ظهور حقایق است.

عداوت راستین باطن محبت دروغین

صاحب تفسیر تسنیم تأکید کرد: در قبال محبت دروغین، يك عداوت راستین است و قیامت ظرف ظهور عداوتهای راستین است، لذا فرمود این دوستان دنیایی دشمنان اخروی‌اند؛ نه اینکه در آخرت با هم کاری ندارند، در آخرت دشمن هم‌اند. يك وقت انسان به کسی دل بست بعد دید از او کاری ساخته نیست خب قطع علاقه می‌کند، دیگر عدوّ او نخواهد شد؛ ولي يك وقت کسی فریب دیگری را خورد و به او دل بست و در اثر فریب محبّه او شد و خود را به خطر انداخت، وقتی روز حق ظاهر بشود این محبت تبدیل به عداوت می‌شود. لذا گاهی می‌فرماید دوستان دنیایی دشمنان اخروی‌اند، گاهی می‌فرماید عابد و معبود دنیایی دشمنان اخروی‌اند، گاهی هم به تعبیرات دیگر می‌فرماید این محبت دروغین يك عداوت راستین را در کمینش دارد و آن راست در قیامت ظاهر می‌شود (با این تعبیرات). لذا فرمود این گروه اگر نتوانستند تشخیص بدهند که قوی کیست؛ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ، به دنبال ضعیف حرکت می‌کنند، به ضعیف دل می‌بندند و ضعیف را عبادت می‌کنند و چون ضعیف این روز معلوم می‌شود، باطن این محبت که عداوت است آن روز ظهور می‌کند.

این مدرس عالی حوزه افزود: اگر کسی به طمع قوّت دل بست باید بداند: اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا و اگر به خیال عزت دل بست باید بداند که العِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا. در سوره مبارکه «مریم» آیه 81 این چنین فرمود: وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا؛ اینها برای عزّت، آلهه دروغین را می‌پرستند، مشابه این را در تعبیرات دیگر فرمود: اُيَتَّبِعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا. خب این العِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا مثل الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا است؛ عزیز باید محبوب باشد، معبود باشد و غیر خدا عزیز نیست، پس غیر خدا معبود و

معبود نیست. همین معنا که حق در قیامت ظهور می‌کند و باطل رخت برمی‌بندد را در سوره مبارکه «زخرف» به این صورت تعبیر فرمود؛ آیه 67 سوره «زخرف» است که الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ چرا؟ چون این خِلَت دروغین يك عداوت راستین را در بر دارد و قیامت ظرف ظهور آن صدق و حق است.

قیامت، روز ظهور ثمره محبت تقوایی‌شان

آیت الله جوادی آملی یادآور شد: اهل تقوا چون محبتشان محبت حق و صدق است و روز قیامت هم روز حق و صدق است، ثمره محبت صادقانه اتقیا آن روز روشن می‌شود. گفتند به اهل بیت (ع) علاقه‌مند باشید، این محبت، محبت صادقه است: لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى این مودت يك مودت صادقه است و در قیامت هم این صادق و حق ظهور دارد. و اینکه فرمود: الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ، سرّش آن است که يك وقت اوضاع برچیده می‌شود، دوستیها تمام می‌شود دیگر دوست کسی نیستند؛ يك وقت این چنین نیست که محبت تمام بشود، بلکه عداوت ظهور می‌کند. در سوره «فرقان» مشابه همین تعبیر آمده است که عده‌ای می‌گویند چرا ما با فلان شخص رفاقت کردیم او را خلیل و دوست اتخاذ کردیم، ای کاش با رسول خدا (ص) بساط محبت پهن می‌کردیم.

قیامت، ظرف ظهور، ملکیت مطلق خدای سبحان

وی در ادامه در تبیین جایگاه محبت صادق در قیامت گفت: آیه 26 سوره فرقان این است که الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ؛ یعنی آن روز، حق ظهور می‌کند؛ نه اینکه آن روز ملك مال خدا می‌شود. این را بارها ملاحظه فرمودید که خدای سبحان مالك دنیا و آخرت است: الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ، بِيَدِهِ الْمُلْكُ ؛ منتها این معنا را موحدین در دنیا می‌دانند و غیرموحد در آخرت می‌فهمد؛ نه اینکه آن روز الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ که ظرف حدوث ملك باشد. آن روز، ظرف ظهور مالکیت مطلق است؛ نه ظرف حدوث مالکیت مطلقه؛ و الا تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ این تقدیم خبر بر مبتدا هم برای حصر است نفرمود «الملك بیده» فرمود: بِيَدِهِ الْمُلْكُ. اگر ملکوت است که بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ اگر ملك است که بِيَدِهِ الْمُلْكُ، پس دنیا و آخرت بیده (سبحانه و تعالی) است و تقدیم این ید؛ خواه در ملکوت، خواه در ملك برای حصر است. موحد این معنا را در دنیا می‌فهمد، غیرموحد در آخرت با عذاب این معنا را می‌بیند. که قیامت ظرف ظهور مالکیت حق است؛ نه ظرف حدوث مالکیت. الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ ؛ یعنی ظاهر می‌شود که بِيَدِهِ الْمُلْكُ بود بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ بود.

شدت ندامت مشرکان در قیامت

این مفسر برجسته قرآن در تفسیر ادامه آیه 26 فرقان وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا تأکید کرد: برای اهل کفر به عسرت می‌گذرد وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَالَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا ؛ کسی که ستم کرده است که بدترین ستم همان شرك است، هر دو دستش را می‌گزد و گاز می‌گیرد. يك انسان نادم فقط این سبّابه را می‌گزد که در ادبیات؛ چه در ادبیات فارسی چه در ادبیات عربی این سبّابه را می‌گویند سبّابه متندّم. سبّابه همین انگشتی است که يك انسان نادم و پشیمان می‌گزد؛ ولی اگر ندامت به نهایت برسد تنها سبّابه را گاز نمی‌گیرد، تنها يك دست را گاز نمی‌گیرد، از شدت ندامت هر دو دست را به دهان می‌برد: يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ، چنین حالتی است. و این ظالم همان است که در آیه محل بحث هم از این گروه به ظالم تعبیر کرد: وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا، چون إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ .